

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۳ اکتوبر ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

یک هفته پردردسر برای جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی هفته پردردسری را پشت سر گذارد. سران رژیم که همواره می‌کوشند در ظاهر، اوضاع را عادی و بر وفق مراد جلوه دهند، نتوانستند اضطراب و نگرانی خود را از آنچه که در صحنه بین‌المللی به زیان آنها در جریان است، پوشیده و پنهان دارند. خشم و نارضایتی آن‌ها در تمام موضع‌گیری‌هایشان آشکار بود. پرونده مداخله جمهوری اسلامی در طرح ترور سفیر عربستان در امریکا در این هفته، برای رسیدگی به شورای امنیت فرستاده شد. دولت امریکا که یکی از شاکیان پرونده است، خواستار محکومیت جمهوری اسلامی به عنوان "تهدیدی برای صلح و امنیت" بین‌المللی شده است. عربستان سعودی، شاکی دیگر، خواستار محاکمه و مجازات کسانی که در توطئه ترور دست داشته و به بیانی بی‌پرده‌تر، سران جمهوری اسلامی شده است. خیر از به جریان افتادن پرونده هسته‌ئی با اتهامات جدید انتشار یافت و رویترز گزارش کرد که گزارش ماه آینده مدیر کل آژانس حاوی نکاتی حساس از فعالیت‌های هسته‌ئی جمهوری اسلامی خواهد بود. گزارش‌گر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در مورد ایران نیز در این هفته گزارش خود را از پایمال شدن حقوق انسانی مردم ایران منتشر ساخت و روز چهارشنبه آن را به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه داد. در این گزارش که فقط به گوشه کوچکی از جنایات بی‌انتهای جمهوری اسلامی علیه مردم ایران اشاره شده، بر سرکوبگری‌های جمهوری اسلامی علیه فعالان اجتماعی و سیاسی، روزنامه‌نگاران، وکلاء، هنرمندان، پایمال شدن حقوق زنان، احکام ظالمانه دادگاه‌ها، تبعیض علیه زنان، اقلیت‌های قومی و مذهبی، شکنجه در زندان‌ها، افزایش چشمگیر اعدام و موارد دیگر تأکید شده و نمونه‌هایی از این جنایات آورده شده است. پیش از این دبیر کل سازمان ملل نیز گزارش مجزائی را که قرار است به مجمع عمومی سازمان ملل در مورد کارنامه حقوق بشر جمهوری اسلامی ارائه دهد، انتشار داده بود و از وخیم‌تر شدن نقض حقوق بشر، افزایش اعدام‌ها و نیز اعدام‌های مخفیانه در طول یک سال گذشته در ایران شدیداً انتقاد کرده بود.

انتشار گزارش وحشی‌گری‌های جمهوری اسلامی توسط دبیر کل سازمان ملل و گزارش‌گر ویژه حقوق بشر و به جریان افتادن مجدد پرونده سرکوب‌گری‌های جمهوری اسلامی و نقض و پایمال شدن حقوق انسانی مردم ایران در شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل، در شرایطی که پرونده اقدامات تروریستی رژیم به شورای امنیت رفته است، بر خشم و هراس رژیم افزود.

موضع‌گیری رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در روز چهارشنبه این هفته، بیان چیز دیگری جز خشم ناشی از هراس یک مهره رژیم استبدادی حاکم بر ایران نبود.

جمهوری اسلامی که به حسب تجارب گذشته می‌دانست، اگر اجازه ورود به ایران را به گزارش‌گر حقوق بشر سازمان ملل بدهد، گوشه‌های دیگری از فجایع و جنایات رژیم در سطح جهانی برملا می‌گردد و با پرونده‌ی سنگین‌تر در مورد پایمال کردن حقوق انسانی مردم ایران روبرو می‌گردد، به گزارش‌گری که شورای حقوق بشر سازمان ملل در فروردین ماه [حمل] امسال برای بررسی نقض حقوق بشر در ایران تعیین کرده بود، اجازه ورود به ایران را نداد. اکنون اما رئیس قوه قضائیه ادعا می‌کند که این گزارش "سخت، ناصحیح و غیر مستند" است. و به گفته وی "تقریباً تمام دعوی معارضین و معاندان نظام را مطرح کرده، در حالی که گزارش‌گر ویژه وقتی به سراغ تهیه گزارش می‌رود، بیش و پیش از هر مسأله‌ای باید بی‌طرفی خود را حفظ کند، نه این که ادعاهای یک طرف را که سال‌هاست معارض نظام هستند بشنود و آن‌ها را تکرار کند."

نخست باید گفت، آنچه که در گزارش به آن اشاره شده است، فقط جزء بسیار کوچکی از فجایع و بیدادگری‌های جمهوری اسلامی است. اما رئیس دستگاه قضائی جمهوری اسلامی وقتی که می‌گوید گزارش‌گر حقوق بشر ادعاهای یک طرف را تکرار کرده است، ولی جمهوری اسلامی حتا به وی اجازه نداد که وارد ایران شود و ادعاهای طرف دیگر را بشنود، فقط رسوائی رژیم را فریاد می‌زند.

او کتمان نمی‌کند که حکومت اسلامی با جنایت و بی‌حقوقی مردم عجین است. لذا در همین موضع‌گیری می‌گوید: حقوق بشر در ایران اسلامی است؛ و اسلامی بودن حقوق بشر در "قصاص، حدود" اعدام و "مسائل مربوط به ارث" است که "همه مسلمان‌ها" قبول دارند. چه کسی می‌گوید: "قصاص ضد حقوق بشر است"؟

وقتی که جنایت فضیلت شمرده می‌شود و شلاق و شکنجه، درآوردن چشم، بریدن دست و پا، جدا کردن سر از بدن، اعدام و به دار کشیدن انسان‌ها، سنگسار، نیمه انسان شمردن زنان، کشتار و قتل عام انسان‌ها به اتهام محاربه با خدا و رسول خدا، حقوق بشر اسلامی است، آن‌گاه دیگر بی‌حقوقی سیاسی مردم، دستگیری و مجازات فعالان جنبش‌های اجتماعی و سیاسی، هنرمندان، روزنامه‌نگاران، تبعیض جنسیتی، ملی و مذهبی، مسائل کم‌اهمیت‌تر حقوق بشر اسلامی است. از این رو رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی دیگر نیازی به پرداختن به آن‌ها نمی‌بیند. او خشم خود را از گزارش غیر اسلامی نقض حقوق بشر در ایران از طریق نشان دادن حاکمیت توحش در ایران ابراز می‌دارد. افسارگسیختگی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی که بی‌پروا توحش حکومت اسلامی را جار می‌زند و شکنجه، قتل و کشتار، حد و قصاص و نیمه انسان بودن زنان را حقوق بشر اعلام می‌کند، از عصبانیت و خشمی برخاسته که در این هفته تمام سران رژیم به آن دچار بودند و خامنه‌ای نیز در همین هفته چندین بار آن را نشان داد.

از همین روست که رئیس دستگاه قضائی رژیم، در پایان سخنرانی خود به مسایلی که جمهوری اسلامی در این هفته با آن روبرو بوده است می‌پردازد، از فشارهای وارده بر رژیم سخن می‌گوید و سرانجام ادعا می‌کند که این فشارها تأثیری بر سیاست‌ها و مواضع جمهوری اسلامی نخواهد داشت. اگر چنین بود، در آن صورت نیازی به جار و جنجال سران رژیم در این هفته و ترس و هراس آن‌ها از اوضاع پیش‌آمده نمی‌بود.

روشن است که پرونده سرکوب‌گری و جنایات رژیم سیاه‌تر از آن است که صرفاً نگران گزارش اخیر در مورد نقض حقوق بشر باشد. این نیز پوشیده نیست که تصمیمات سازمان ملل بر سر این مسأله نتوانسته و نمی‌تواند تغییری در سیاست‌های جنایت‌کارانه جمهوری اسلامی پدید آورد و فقط مردم ایران هستند که با مبارزات خود می‌توانند نقطه پایانی بر این رژیم و جنایات آن بگذارند. اما حساسیت رژیم بر سر پرونده نقض حقوق بشر اکنون از آن‌روست که در کنار دو پرونده دیگر، در یک زمان مطرح می‌شود و رژیم جمهوری اسلامی را در آن واحد، به عنوان رژیمی تروریست، جنگ‌طلب، آدم‌کش، جنایتکار و مستبد، در مقیاس بین‌المللی و در پیش چشم عموم مردم جهان به محاکمه می‌کشد.

داستان‌سرانی خامنه‌ای در دانشگاه رازی

خامنه‌ای در ادامه سفر خود به کرمانشاه، در این هفته در دانشگاه رازی در یک سخنرانی به طرح مسایلی پرداخت که بازتاب بن‌بست و معضلات جمهوری اسلامی در شرایط کنونی‌اند. یکی از محورهای سخنرانی خامنه‌ای در دانشگاه رازی "احتمال حذف پست ریاست جمهوری از ایران"، اختصاص یافته بود.

او به عنوان مقدمه، یک داستان‌سرانی داشت در مورد پیر و جوان بودن جمهوری اسلامی. حضرت آقا نخست شکسته نفسی فرمودند و از مرتبه نماینده همه‌چیز دانا و آگاه عالم اسرار یک پله پائین آمدند و پاسخ این سؤال را که "هر موجود زنده‌ای دوران جوانی دارد، دوران پیری دارد؟ آیا نظام اسلامی پیر خواهد شد؟ از کار افتاده خواهد شد؟ آیا علاجی برای آن متصور است و وجود دارد؟" به "مراکز فکر و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی" و "اصحاب فکر" محول فرمودند. اما چون باقی ماندن و نماندن عرصه حاکمیت خدا و پیامبر خدا در چارچوب فکری و عقلی بشریت قابل حل نیست و مشمول قوانین عینی و مادی حیات و تکامل، زوال و مقولاتی از این دست نمی‌شود، لذا، آقا تصمیم گرفت به زبان به قول معروف عام فهم، حیات لایزال و ابدی جمهوری اسلامی را تبیین کند و نتیجه بگیرد که بله! "جوانی، ذاتی"ی جمهوری اسلامی است و "طراوت" جزو خصایل "همیشگی" آن.

اما پامنبری‌های آقا که معمولاً در عالم هپروت سیر می‌کنند و به دنبال دستی از غیب در پس هر پدیده و رویدادی می‌گردند، منتظر بودند که ببینند فرمانروای عالم هستی در این جا چه فوت و فنی به کار برده که حالا آقا می‌خواهد به نمایندگی آن را توضیح دهد. خامنه‌ای شروع کرد به صحبت در مورد "آزادی"، "عدالت" و "تکریم انسانی". پامنبری‌های آقا که حسابی گوش‌هایشان را تیز کرده بودند تا به عظمت و قدرت دست غیب در "جوانی" و "طراوت همیشگی" جمهوری اسلامی پی ببرند، هر چه منتظر ماندند چیزی عایدشان نشد. کمی مهمه راه افتاده بود و با خود می‌گفتند، یعنی چه؟ این چرندیات چیست که آقا می‌گوید: ما خودمان در دانشگاه دهن کسی را که از آزادی حرف بزند خرد می‌کنیم! اگر کسی از بی‌عدالتی، فقر و ثروت، نابرابری و امثالهم کلامی بگوید، به اتهام کمونیست تیربارانش می‌کنیم. "کرامت انسان" این چه حرفی است، ما چیزی برای انسان‌هایی که همه باید بندگان خدا و نمایندگان خدا بر روی زمین باشند، باقی نگذاشته‌ایم. مردم را در کوچه و خیابان تحقیر کرده‌ایم، فحاشی کرده‌ایم، آن‌ها را کتک‌زنان به زندان برده، شکنجه کرده و محکوم نموده‌ایم. این آقا، مثل این که امروز عقلش را از دست داده است.

خامنه‌ای که دید، این پامنبری‌ها ملتفت اصل قضیه نیستند، ناگزیر شد برای آرام کردن اوضاع، پرده‌ها را کمی کنار بزند، خطاب به حضار گفت:

"من اول این را عرض بکنم، این مفاهیمی که گفته شد - مفهوم عدالت، مفهوم آزادی، مفهوم تکریم انسان - با معانی اسلامی خودش مورد نظر ماست، نه با معانی غربی خودش. آزادی در منطق اسلامی معنایی دارد، غیر از آن معنایی که آزادی در منطق غرب دارد. تکریم انسان، احترام به انسان، ارزش دادن به انسانیت انسان در مفهوم اسلامی مغایر است با این مفهوم در معنای غربی و تلقی غربی... ما از احترام به انسان، احترام به زن حرف می‌زنیم، این نبایستی اشتباه شود با آنچه که در غرب در زیر این مفاهیم ترجمه می‌شود و گفته می‌شود... مفاهیم اسلامی مورد نظر است، عدالت با معنای اسلامی خود، آزادی با معنای اسلامی خود، کرامت انسان با معنای اسلامی خود، که این‌ها همه در اسلام روشن است. مبین است. خیال حزب‌الله راحت شد و دریافت که منظور آقا، استغفرالله، از احترام به زن، برابری زن و مرد و برافتادن تبعیض نبوده و نیست. منظور از آزادی، برخورداری مردم از آزادی‌های سیاسی، آزادی عقیده، فکر و بیان، آزادی نشر و مطبوعات، آزادی اعتراض و امثالهم نیست بلکه همان اختناق حاکم اسلامی است. منظور از عدالت هم نه برابری انسان‌ها، برافتادن جامعه‌ای با بی‌عدالتی‌های سر به فلک کشیده، متشکل از گروه اندکی سرمایه‌دار و ثروتمند و اکثریتی بسیار بزرگ فقیر و زحمتکش، بلکه همین بی‌عدالتی موجود در ایران است و غیره.

خامنه‌ای پس از این داستان‌سرائی مقدماتی‌اش نتیجه گرفت: "بنابر این وقتی انسان اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی را نگاه می‌کند - یعنی جامعه اسلامی با این خصوصیات - می‌بیند، این‌ها هیچ وقت کهنه نمی‌شود." استدلال آقا به پایان رسید و همه مستمعین صلواتی سر دادند، معه‌ذا متوجه نشدند که منظور آقا چه بود، تا این که دهن باز کرد و گفت: در مورد "ساز و کار و نهادسازی‌های لازم برای آن جامعه اسلامی، این‌ها چرا، ممکن است کهنه شود. هیچ اشکال ندارد." "امروز نظام ما ریاستی‌ست، اگر یک روزی در آینده‌های دور یا نزدیک احساس بشود که به جای نظام ریاستی مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است، هیچ اشکالی ندارد." البته ما هم این را بیفزاییم که منظور آقا، نظام پارلمانی در معنای غربی آن نیست، بلکه اسلامی آن است.

این همه صغرا و کبر اچینی برای این بود که بگوید، جمهوری اسلامی در شرایطی قرار گرفته که دیگر گنجایش تحمل ارگانی تحت عنوان ریاست جمهوری را ندارد. پس از آن همه رسوائی که در جریان به اصطلاح انتخابات سال ۸۸ پیش آمد و در پی آن بروز نزاع میان احمدی‌نژاد و خامنه‌ای، جمهوری اسلامی با بن‌بست و ورشکستگی سیاسی جدیدی روبرو گردید. پست ریاست جمهوری از دو جهت زائد شده است. اولاً، رژیم پی برده است که دیگر، توده‌های مردم کمترین اعتمادی به بازی‌های انتخاباتی رژیم و جناح‌های آن ندارند و باید بساط خیمه شب‌بازی‌اش را جمع کند. ثانیاً، مسأله مهم‌تر، تلاش برای پایان دادن به تضاد و شکافی‌ست که همواره در جمهوری اسلامی میان ولی فقیه و رئیس‌جمهور رخ داده و به کشمکش و نزاع انجامیده است. این مسأله از آن رو اکنون برای رژیم به امری جدی‌تر تبدیل شده است که با تشدید بحران‌های رژیم و بن‌بست‌هایی که در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با آن‌ها روبروست، بیش از پیش به تمرکز قدرت نیاز دارد. حذف پست ریاست جمهوری به معنای تمرکز بیش‌تر قدرت در دست ولی فقیه است. اما رژیم هر چه بیش‌تر در جهت این تمرکز حرکت می‌کند، با تضادها و بحران‌های بیش‌تری روبرو می‌گردد، چرا که حلال هیچ‌یک از معضلات و بحران‌های آن نیست. در واقع این تمرکز نشانه روشن‌تری از بن‌بست و فروپاشی جمهوری اسلامی‌ست.

همین که خامنه‌ای در سخنرانی‌اش بحث "جوانی" و "پیری" جمهوری اسلامی را پیش می‌کشد، انعکاسی از وضعیت بحرانی رژیم و بی‌ثباتی و سردرگمی درونی آن است. گروهی از درون خود هیأت حاکمه کتمان نمی‌کنند که رژیم در بن‌بست است و رفتنی است. بنابراین خامنه‌ای حتماً برای پوشاندن این واقعیت که همین حذف پست

ریاست جمهوری اسلامی دلیلی بر پوسیدگی و فروپاشی حکومت است، آسمان و ریسمان را به هم می‌بافد، تلاش می‌کند، رژیم را که از همان روز نخست تولدش در ایران مرده‌ای متعفن، بازمانده از قرون وسطا بوده است، به مریدان خود زنده جا بزند، از جوانی آن سخن بگوید، تا به اصل مطلب برسد و بگوید دیگر باید بساط ریاست جمهوری را هم برچینیم، تا بلکه با معضلات کمتری روبرو باشیم.

اما اوضاع رژیم به درجه‌ای وخیم است که قابل پرده‌پوشی نیست. خامنه‌ای در همین سخنرانی می‌گوید شخص او مدیریت اجرایی نیست. "این تبلیغات است. می‌خواهند این‌جور تلقی کنند که رهبری یک مدیریت اجرایی است. نه مدیریت اجرایی، مشخص است. مدیریت اجرایی در بخش قوه مجریه ضوابط مشخصی دارد. معلوم است، مسوولین معینی دارد." اما فردای آن روز، هیأت دولت بدون حضور احمدی‌نژاد در حضور وی در کرمانشاه تشکیل می‌شود و تصمیم می‌گیرد. مردم ایران این‌ها را می‌بینند و می‌دانند که وضعیت رژیم چنان وخیم است که خامنه‌ای چاره‌ای ندارد جز این که دو روز پس از سخنرانی‌اش که مدیریت اجرایی را انکار کرده بود، ریاست هیأت دولت را بر عهده بگیرد. احمدی‌نژاد در اجلاس شرکت نمی‌کند و هم‌زمان با آن نایب رئیس مجلس اعلام می‌کند که در هفته آینده، طرح سؤال از رئیس جمهور در مجلس اعلام وصول خواهد شد. این در هم ریختگی اوضاع رژیم به قوه اجرایی محدود نیست. کشمکش شدیدی در درون مجلس نیز در جریان است و هر باند و گروهی به درگیری با دیگری برخاسته است. سران رژیم حتا در مورد انتخابات مجلس‌شان نیز نگران‌اند و نمی‌دانند چه خواهد شد. افتتاح جمهوری اسلامی به مرحله‌ای رسیده است که فرمانده پولیس جمهوری اسلامی در این هفته اعلام کرد، اگر در جریان انتخابات کار به درگیری بکشد، پولیس با شدت برخورد خواهد کرد.